

محمد اسفندیاری

کتاب مقدس ویراستاران

۱۱۵-۱۱۱

کتاب مقدس ویراستاران

محمد اسفندیاری

چکیده: کتاب راهنمای آماده ساختن کتاب (چاپ اول، ۱۳۶۵) راهنمایی آموزنده برای همه کتاب‌پردازان از جمله نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و ناشران است. این اثرکه تألیف ادیب سلطانی است را می‌توان بهترین کتاب پیرامون آیین نگارش، ویرایش و نشر قلمداد کرد. نویسنده در نوشتار حاضر به اختصار، نویسنده و کتاب وی را معرفی می‌نماید.

کلیدواژه: کتاب راهنمای آماده ساختن کتاب، آیین نگارش، آیین ویرایش، آیین نشر، معرفی کتاب، ادیب سلطانی.

— *Editors' Holy Book*

By: Muhammad Isfandiāry

Abstract: A Guide to Preparing a Book (First Edition, 1365) is an informative guide for all of the people who are working in the process of publishing a book including writers, translators, editors, and publishers. This work, written by Adib Soltāni, can be regarded as the best book on the rules of writing, editing and publishing. The author of the present paper is going to introduce this book and its author briefly.

Key words: A Guide to Preparing a Book, the rules of writing, the rules of editing, the rules of publishing, book report, Adib Soltāni.

— الكتاب المقدس لدى المحررين

محمد اسفندیاری

یعد کتاب راهنمای آماده ساختن کتاب (= دلیل إعداد الکتب) الذي صدرت طبعته الأولى سنة ۱۳۶۵ شمسية دليلاً تعليمياً مفيداً لكافة المهتمين بصناعة الکتب من کتاب ومترجمين ومحررين وناشرين.

والکتاب من تأليف أديب سلطاني، ويمكن القول بأنه أفضل الکتب الموجودة حول قواعد وأصول التأليف والتحرير والنشر.

والمقال الحالي يتضمن تعريفاً مختصراً بالمؤلف وكتابه.

المفردات الأساسية: کتاب راهنمای آماده ساختن کتاب (= دلیل إعداد الکتب)، قواعد الكتابة، قواعد التحرير، قواعد النشر، تعريف الکتب، أديب سلطاني.

کتاب مقدس ویراستاران

محمد اسفندیاری

راهنمای آماده ساختن کتاب؛
میرشمس‌الدین ادیب سلطانی؛
چاپ اول، تهران: سازمان
انتشارات و آموزش انقلاب
اسلامی، ۱۳۶۵.

دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی برای بسیاری ناشناخته است و برای آنان که می‌شناسندش معماست. علت مجهول ماندنش معلوم است: نه سخنرانی می‌کند، نه حاضر به مصاحبه می‌شود، نه مقاله می‌نویسد و نه در اجتماعات عمومی حاضر می‌شود. حتی در این زمانه که «گردش روزگار برعکس [تصویر] است»، عکسی از او در دست نیست. ارتباط وی با جهان بیرونی‌اش فقط از طریق کتاب‌هایش است و آنها هم جز به کار خواص نمی‌آید و این خواص نیز چیزی از زندگی او نمی‌دانند.

ادیب سلطانی که در خانواده‌ای اهل فرهنگ زاده شد (پدرش از مقامات وزارت معارف بود و مادرش شاعر)، نخست در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و سپس آن را ناتمام گذاشت و پزشکی خواند و به پایانش رساند. اما حرفه پزشکی را برنگزید و ظاهراً یک نسخه هم ننوشت، بلکه در پی علایق دیگر رفت و در چند رشته متفاوت و دور از هم به مطالعه و تحقیق پرداخت: شیمی، روانشناسی، منطق، فلسفه، ریاضیات، زبان‌شناسی، ترجمه، ویرایش و نقاشی. چون به ترجمه و ویرایش و زبان‌شناسی علاقه‌مند بود، زبان‌آموزی را جدی گرفت و دوازده زبان آموخت؛ از جمله انگلیسی، آلمانی، چینی، روسی، یونانی، لاتین، عربی و عبری. از وی تاکنون سیزده عنوان کتاب به چاپ رسیده که هر یک در موضوع خود بی‌مانند است؛ از جمله: راهنمای آماده ساختن کتاب، درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی، مسئله چپ و آینده آن (به انگلیسی)، سنجش خرد ناب (ترجمه از آلمانی) و منطق ارسطو (ترجمه از یونانی).

ادیب سلطانی چند سال در مؤسسه انتشارات فرانکلین به ویراستاری اشتغال داشت و به گواهی سرویراستاران مؤسسه، «دقیق» و «پرحوصله»، «مبادی آداب» و «پایند به اخلاق صحیح» بود و در حل مشکلات علمی «گاه بارقه‌هایی از خود نشان می‌داد که در حد نبوغ بود. در زندگی خصوصی نیز ساده و زاهد مسلک بود و همین به احترامی که در چشم همکاران خود کسب کرده بود، می‌افزود»^۱.

در فهرستی بلند که از دانشوران صد سال اخیر در ذهن دارم، این چند نفر را از همه دقیق‌تر یافته‌ام: محمد قزوینی، امیرحسین یزدگردی، ادیب سلطانی و مصطفی ملکیان. در همه آثار ایشان نازک‌بینی و باریک‌اندیشی نمایان است؛ از جمله در شاهکار ادیب سلطانی درباره کتاب.

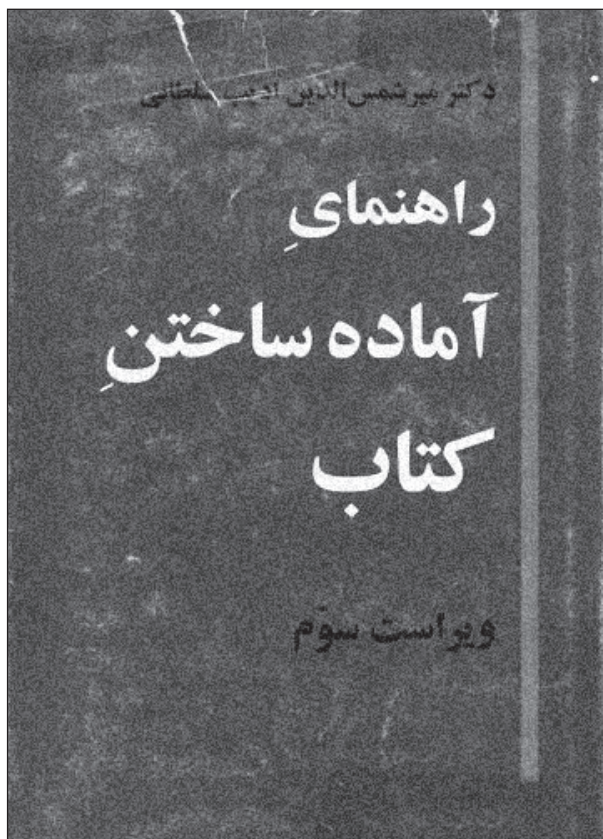
راهنمای آماده ساختن کتاب (چاپ اول، ۱۳۶۵)، راهنمایی آموزنده برای همه کتاب‌پردازان است؛ از نویسندگان تا مترجمان و از ویراستاران تا ناشران. این اثر را می‌توان بهترین کتاب درباره آیین نگارش و ویرایش و نشر شمرد و مقصودم از «بهترین»، جامع‌ترین و مستندترین و علمی‌ترین و دقیق‌ترین است. هر بحثی که در این کتاب آمده، همه ابعاد و اضلاع و استثنای آن بررسی و تا هم فیها خالدون آن کاویده شده است. از چاپ اول این کتاب تاکنون چند دهه می‌گذرد و در این مدت چندین کتاب منتشر شده است، ولی هیچ کدام قابل مقایسه با کتاب ادیب سلطانی نیست. اگر بشود گفت در علم نیز کتاب مقدس وجود دارد، راهنمای آماده ساختن کتاب را کتاب مقدس ویراستاران می‌توان خواند. نمی‌دانم چرا این اثر به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده نشد، شاید هم برگزیده شد و نویسنده‌اش از دریافت جایزه خودداری ورزید.

۱. کریم امامی؛ «شیوه‌نامه یا دانشنامه؟»؛ نشر دانش (سال هفتم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۶۶)، ص ۷۰.

فهرست کوتاه کتاب بدین شرح است: «کالبدشناسی کتاب و پاره‌ای مسائل مربوط به تکوین آن»، «چاپ و صحافی»، «نقطه‌گذاری در رابطه با نکات نظری و چاپی»، «شیوه خط فارسی»، «روش نوشتن واژه‌ها و نام‌های بیگانه در فارسی»، «کلمات و نشانه‌های بیگانه در متن و در پانویس‌ها»، «اعداد و ریاضیات»، «مقیاس‌ها و تبدیل‌ها»، «اصطلاح‌شناسی»، «پانویس‌ها و یادداشت‌ها»، «کتاب‌نامه‌ها»، «فهرست‌های راهنما»، «واژه‌نامه‌ها»، «جدول‌ها، نمودارها، تصویرها»، «درباره ویرایش»، «تولید کتاب».

هنگامی که فهرست تفصیلی کتاب را در چند صفحه ملاحظه می‌کنیم، به نظر می‌رسد مطلبی ناگفته مانده و از صدر تا ذیل موضوعات و جزئیات آن در بیش از هزار صفحه بررسی شده است. از این روست که چون نویسندگان و ویراستاران در سال ۱۳۶۵ با کتابی بدین تفصیل مواجه شدند، به دلهره افتادند که این همه دانستنی درباره کتاب بود و ما نمی‌دانستیم!

دقت ادیب سلطانی در پژوهش و نگارش و ویرایش ناشی از کمال‌گرایی اوست. وی به متوسط و خوب



یکی از منتقدان راهنمای آماده ساختن کتاب، ضمن اشکال‌گرفتن بر سره نویسی مؤلف و استعمال واژه‌های غریب، گفته است: «تقید مؤلف به رعایت اتقان و انتظام امانت نیز نمونه‌هایی از نوع دیگر برای غرابت‌گرایی او به دست می‌دهد».^۲ از اینجا معلوم می‌شود از بس در میان ما بی‌دقتی و شلختگی و خلاف امانت عادی شده است که اگر کسی خلاف این باشد، به اتهام «غرابت‌گرایی» رانده می‌شود.

راست اینکه آن دو ناقد راهنمای آماده ساختن کتاب به دیده انصاف در کتاب ننگریستند و چون فارسی‌گرایی و واژه‌سازی ادیب سلطانی را نپسندیدند، محتوای کتاب را هم، چنان‌که باید، قدر ندانستند. اگر فرض کنیم همه اشکالات ایشان به زبان کتاب درست باشد، می‌شود طاووس و پای او. چرا به زیبایی‌هایش نمی‌نگرند و فقط در پایش خیره می‌شوند؟

احتیاط و دقت علمی ادیب سلطانی را از اینجا می‌توان دریافت که توصیه می‌کند در هر موضوع علمی نخست باید منابع متفاوت را به مطالعه گیریم. ولی چون ممکن است در تفسیر آنچه خوانده‌ایم دچار اشتباه شویم، باید به آن مطالعه بسنده نکنیم، بلکه آن را با اهل فن در میان بگذاریم. سپس باز مطالعه را ادامه دهیم و آنگاه نتیجه‌گیری کنیم؛ بنابراین: مطالعه مستقل ← تصمیم موقت ← بحث با دیگران ← مطالعه مستقل ← تصمیم نهایی. با این توضیح که در علم هیچ چیز «نهایی» نیست.^۳

۲. احمد سمیعی؛ «از دست‌نویس تا چاپ»؛ نشر دانش (سال هفتم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۶۶)، ص ۴۰.
۳. رک به: میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، راهنمای آماده ساختن کتاب (چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵)، ص ۷۶. وی این نکته را در سنجش خود ناب (ص LII - LIII) که مشخصات آن را خواهیم گفت، نیز گفته است.
جالب توجه است ادیب سلطانی در پیشگفتار کتاب درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی (چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴) می‌نویسد: «این کتاب عبارت است از گزارشی موقت از کار در جریان پیشرفت، نه یک مطالعه فرجامین» (ص X - XI). وی آن همه تحقیق و تدقیق خود را «درآمد» نام می‌گذارد و «موقت» می‌خواند، نه نهایی. این را بسنجید با کسانی که عنوان آثار خود را «نهایه...» و «غایه...» و «منتهی...» می‌گذارند و می‌پندارند حرفی برای دیگران باقی نگذاشته‌اند.

این روش را مقایسه کنید با روش نویسندگان معاصرما که اولاً تک منبعی هستند و ثانیاً مطالعه کرده و نکرده، می نویسند و حکم صادر می کنند و با تعصب هم بردیدگاهشان اصرار می ورزند. از آنچه به ذهنشان می آید تا آنچه می نویسند، چند دقیقه ای نمی گذرد. نظر موقت ندارند، بلکه هر آنچه در ابتدا به ذهنشان می آید، نظر آخرشان می شود. در گفتگو با دیگران نیز به دنبال کشف حقیقت نیستند، بلکه در پی اثبات حقانیت خودند.

باز هم اگر بخواهیم بر احتیاط علمی ادیب سلطانی انگشت بگذاریم، به روش علمی اش باید اشاره کنیم که «روش آشتی و احتیاط و محافظه کاری و درست دانستن همه استدلال های به ظاهر متناقض یا متضاد»^۴ است: آشتی خردگرایی (راسیونالیسم) با تجربه گرایی (آمپیریسم)، آشتی قیاس با استقرا، آشتی شناخت با نمی دانم کیشی، آشتی ارزش (آنچه باید باشد) با بودش (آنچه هست) و حتی آشتی اعتدال با افراط؛ یعنی «دوست نداشتن هیچ چیز به افراط مگر اعتدال».^۵ در جایی دیگر از این روش آشتی گرایی که من نیز بدان تعلق دارم، سخن خواهم گفت؛ ان شاء الله.

توصیه من به همه نویسندگان این است که حداقل یک کتاب ادیب سلطانی را به قصد آموختن دقت از او، به دقت بخوانند. وی در این عصر سرعت، آیت دقت است. اگر دقت را از او فراگیریم، درسی آموخته ایم که فوایدی فراوان از آن حاصل می شود؛ هم در تفکر، هم در تحقیق و هم در تألیف.

در زمانه ما واحد نگارش بعضی کتاب است. این گروه، کتاب به کتاب پیش می روند؛ مانند ذبیح الله منصوری که در حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب نوشت.^۶ واحد نگارش برخی دیگر مقاله است. با یکدیگر مسابقه مقاله نویسی می دهند و برنده را کسی می دانند که بیشتر نوشته باشد.^۷ بعضی هم واحد نگارش خود را صفحه می دانند و در یک روز تا چند صفحه ننویسند، گویا چیزی ننوشته اند. اما واحد نگارش ادیب سلطانی کلمه است. کلمه ای به کلمه دیگر می افزاید؛ یعنی در مقابل هر کلمه درنگ می کند و هر کلمه را از میان انبوهی از کلمات برمیگزیند.^۸ فی المثل اگر در ابتدای کتابش نوشته است «پیشگفتار»، دیمی و علی الرّسم ننوشته است، بلکه از میان کلماتی چون «مقدمه» و «دیباچه» و «درآمد» و «سراغاز»، آن کلمه را بنا به دلیل یا دلایلی برگزیده است. هر که باور نمی کند، بسنده است تا فقط یک کتاب از وی بخواند تا بنگرد در آن «نکته ها چون تیغ پولاد است تیز». من که به نظر بعضی دقت وسواس گونه دارم، در مقابل او سپر انداخته ام.

۴. راهنمای آماده ساختن کتاب، ص ۴۰۰، ۴۰۱.

۵. همان، ص X.

۶. شرح آن را در مقاله «از بیشترنویسی تا بهترنویسی»، چاپ شده در کتاب کتاب پژوهی، آورده ام.

۷. به گفته یکی از ایشان: گویند مرا چوزاد مادر/ بنوشتن صد مقاله آموخت.

۸. او در آغاز ترجمه کتاب کانت نوشته است کمتر و ازای در این ترجمه به کار رفته است که درباره آن با گروهی بحث نشده باشد. رک به: ایمانوئل کانت، سنجش خرد ناب، ترجمه میر شمس الدین ادیب سلطانی (چاپ اول: تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص LII.